

چیره گیتی فرهنگی

سونامی که پس از ویرانگری نمایان میگردد

الف - محشور

پیشرفت ها ، شگوفایی و دست آورد های علوم و تکنالوژی در همه گستره های زنده گی امکانات دسترسی انسان هارا به تسهیلات و کامروایی روز تا روز گسترده تر شانرا بر طبعیت بمیان آورده است .

در گستره ی ارتباطات گروهی ، علاوه از رادیو ، تلویزیون و... که از سالهای زیاد بدینسو در خدمت ما قرار دارد ، درین سالهای پسین ((انترنت - کمپیوتر)) وسیله ای است که نه تنها داد و گرفت اطلاعاتی را بلکه تماس های فرهنگی کتله های انسانی را نیز فراهم کرده است . درین قطار بدست آوردن آگاهی از رخداد های گیتی غنیمت بزرگی است که بکار گیرنده گان ((انترنت - کمپیوتر)) از آن بهره مند هستند .

نباید فراموش کرد که هرگاه ازین نعمت بزرگ ، ژرف نگرانه ، مسوولانه ، با احتیاط و پشت کار بهره گیری نشود میتواند برای فرهنگ خودی ویرانگر و فاجعه بار باشد .

همه میدانیم که در موجودیت وسایل پیشرفته ی تماس ، تبادلات فرهنگی نه تنها که گسترده بلکه ضروری هم گردیده است . آگاهی از رویداد ها در تمام گوشه های جهان ، آموختن و لذت بردن از فراورده های بارور و دست آورد های فرهنگ انسانی غنیمت های بزرگ و در خور ستایش است ولی درین کارزار محافل معینی در کشور های معین در صدد آنند که با سوی استفاده از ین امکانات ، اهداف ناروای شانرا بر دیگران تحمیل کنند . اینها بادر دست داشتن امکانات اقتصادی و ((جیو ستراتیژیک)) از یکسو فرهنگ گراییی و از جانب دیگر فرهنگ ستیزی میکنند . سوگمندانه کشور ما که در نتیجه ی دشمنیی

دشمنان و ابلهپی خودی و دوستان ابله ویران ، زبون و ناتوان گردیده و به ((باغ آفت زده و خرمن آتش گرفته)) مبدل شده است و همچون تن نزار و بی رمق ، که هر مکروبی را امکان چیره شدن برا نست میتواند به بسیار ساده گی آماج این تیر های زهر آگین قرار گیرد . حالت رسانه ها که بازتاب دهنده ی حالت میهن و مردم است بسیار قابل تشویش است . زیرا در آنها عوامل و جیره خواران بیگانه ، بطور گسترده نفوذ نموده و این نفوذ روز تا روز در حال گسترش میباشد .

در منطقه ی ما جمهوری اسلامی ایران با جدیت و با بهره گیری از امکانات اقتصادی ناشی از فروش نفت و گاز نه تنها که درصدد اصدار انقلاب اسلامی (اسلام آخوندی و قمی) بلکه فرهنگ مختلط (آخوندی - ایرانی) نیز میباشد . ما مظاهر این تلاش ها (چیره گی فرهنگی بر کشور ما) را به روشنی و ساده گی دیده میتوانیم ، مگر دادن ((جیب خرچ)) به مقامات و مسوولین بلند پایه ی دولتی جمهوری اسلامی افغانستان به چه هدفی صورت گرفته و میگیرد ؟ . مقامات که مزد شانرا دریافت میکنند باید؟! ترویج گران فرهنگ و مذهب و سیاست های واپس گرای آخوند ها باشند ، آنها در بدل جیفه ایکه دریافت میکنند باید در خدمت جیفه دهنده گان باشند .

و اما درینجا سخن ما متوجه کسانی است که خود را فروخته اند :

بادریغ و درد که برخی از رسانه های بیرونی و داخلی یا ناخود آگاه یا سهل انگارانه و یا ... ((از قلم رایگان)) مرتکب این گناه میشوند . درین ردیف رسانه های گروهی و تار نماهای انترنتی که امروزه مردمان زیاد از آنها بهره میگیرند باید دقت بیشتر به خرچ دهند .

موجز اینکه : این یک اصل پذیرفته شده است که نشرات رسانه ها سمت دهنده ی آگاهی و دانش مردم بویژه در گستره ی زبان و معیار های دستوری آن هستند و هرگاه اینها براه نادرست بروند ذهنیت و دانش همه گانی را به بیراهه میکشانند و به مصداق گفته ی معروف :

((هرچی بگند د نمکش میزنند --- وای بروزی که بگند د نمک))

زنهار! که اشتباه آموزگار تباه کننده است .

تارنماهای (سایت ها) انترنتی که در بیرون میهن در تکاپوی خدمت به فرهنگ و اطلاعات رسانی به هم میهنان هستند درین گستره از اهمیت فراوان برخوردار میباشدند که سوگمندانه بدلائل گوناگون در گزینش زبان ، واژه ها و حتی اطلاع رسانی بی توجهی میکنند . در

شمار دهها تارنمای افغانی برخی از آنها بانشرات مرغوب و نغز توانسته اند که بیننده و خواننده های بیشمار را بخود جلب کنند که میتوان ازسایت های وزین وپر طرفدار آریایی ، مشعل ، افغان جرمن ، حزب وطن ، پیام وطن ، نی ، روزنه و مانند آنها نام برد . درین قطار دو تار نمای نخست (آریایی و مشعل) همه روزه آخرین اخبار را بدست نشر میسپارند ولی سوگمندانکه که منبع این اخبار آژانس های خبر رسانی جمهوری اسلامی ایران میباشد که مسولین ایندو تار نما یا نسبت مصرفیت زیاد ویا بی توجهی و سهل انگاری بدون پیراستن (ادیت) و پر از مواد تبلیغاتی رژیم آخوندی و واژه های نامانوس و ((جوتَه)) کننده ی زبان ناب فارسی دری به نشر میرسانند . که این کاستی نه تنها خدمت شانرا بهدر میدهد بلکه بجای سود، زیان آور نیز تمام میشود .

باید بروشنی ابراز داشت که منظورما جلو گیری از بکار بردن واژه های ناب که ریشه در تاریخ زبان دارد نی ، بلکه واژه هایبست که برای مردم ما کاملاً بیگانه و نا آشنا ست و بهیچ صورت با آنها آشنایی ندارند .

میخواهم این حقیقت را به پیشگاه دوستانیکه خواهان سچه سازی زبان ناب و بجان برابر فارسی دری هستند ، پیش کنم و از آنها بخواهم که نخست باید زبان را از واژه های بیگانه ی اروپایی و تازی پاک کنیم . زدودن واژه هاییکه برای مردم ما مانوس است پسانتر و بشکل صمیمانه و برادرانه صورت گرفته میتواند .

در فرجام درحالیکه نقش و سهم ارزنده ی تار نماهارا در پخش و گسترش فرهنگ میهنی و مردمی ارج میگذاریم صمیمانه از آنها التجا داریم که باهوشیاری ، پشت کار و ژرف نگری تلاش های مبنی بر چیره گی فرهنگی بیگانه گان مغرض را خنثی سازند .